موضوع پژوهش (2)

شيعه‏شناسى

جواد محدّثى‏

يكى از شناخت‏هاى ضرورى براى پيروان مكتب اهل بيت، كه افتخار همسويى و همراهى با «عترت» را دارند، «شيعه‏شناسى» است.

در شيعه‏شناسى، محورها و ابعاد مهم و مختلفى وجود دارد كه هر كدام سزاوار پژوهش و مطالعه و بازكاوى است؛ از جمله:

- از بُعد اعتقادى و تفاوتى كه با مذاهب ديگر مسلمانان دارد؛

- از نظر تاريخى و زمان پيدايش و پيشينه آن در امت اسلامى؛

- از ديدگاه سياسى و انقلابى و آرمانى كه در عصر حاضر و جهان كنونى مطرح است؛

- از نظر جغرافياى سياسى و جمعيتى؛ يعنى تعداد كشورهاى شيعى و مناطق شيعه‏نشين و آمار و ارقام مربوط به آن؛

- از بُعد آثار علمى و فرهنگى و مشاهير و بزرگان و تأثيرگذارى بر فرهنگ و تمدّن اسلامى؛

- و ابعاد و جهات ديگر كه مى‏تواند دست‏مايه مطالعات گسترده و عميق قرار گيرد.

در عصر حاضر به دليل اهميت تفكرات اين فرقه اسلامى كه به اعتقاد ما ريشه در «اسلام ناب محمدى» دارد و از ميان مذاهب و فرقه‏هاى مختلف، «فرقه ناجيه» محسوب مى‏شود، حساسيت بسيارى به آن ايجاد شده است.

علاقه‏مندان، در پى آگاهى بيش‏تر درباره آنند و مخالفان، در پى ضربه زدن و بدنام كردن و تهمت و افترا زدن به شيعيانند، تا نفوذ و گسترش روز افزون فرهنگ شيعى را بكاهند و در مقابل اين موج فزاينده و دامن گستر، سدّى ايجاد كنند.

حتى دشمنان تشيّع و اسلام و صهيونيست‏ها هم براى آن‏كه بهتر بتوانند با موج شيعى در سطح جهان مقابله كنند، جلسات و كنفرانس‏ها و پژوهش‏هايى انجام داده و مى‏دهند، تا به جوهره و عمق تفكرات و بنيادهاى انديشه و ايمان پيروان اهل بيت پى ببرند.(1)

گاهى هم برخى دشمنان، گناهان و خلاف‏ها و عادات فرقه‏هاى ديگر شيعه مثل زيديه و اسماعيليه را به شيعه نسبت مى‏دهند كه ساحتِ شيعه اثنا عشرى و پيروان خالص امامان دوازده‏گانه از آن‏ها پاك و مبرّاست.

از ميان همه محورها و ابعادى كه در موضوع «شيعه‏شناسى» و شناخت شيعه اثنا عشرى (اماميّه) وجود دارد، يكى هم شناخت ويژگى‏هاى اخلاقى، رفتارى و ايمانىِ گروهى است كه در فرهنگ دينى ما «شيعه» شناخته مى‏شوند و اين افتخار را دارند كه منسوب به اهل بيت عصمت و طهارت (عليهم السلام) هستند و رهپوى راه آن اسوه‏هاى اخلاق و معنويت و سلوك، مى‏باشند.

راستى، شيعه كيست؟ آيا با ادعاى شيعه‏گرى، انسان شيعه محسوب مى‏شود؟ يا اين عنوان پر افتخار، الزامات و تعهّداتى را بر دوش شيعه مى‏گذارد؟ در پژوهش حاضر از اين منظر به موضوع مورد اشاره، نگاه شده است.

شيعه كيست؟

اصطلاح شيعه، هم در قرآن آمده است، هم در سخنان پيامبر خدا (ص) و امامان معصوم. شيعه به معناى «پيرو» است، و شيعيان كسانى‏اند كه امامان معصوم از اهل بيت پيامبر را پيشوايان راستين و جانشين‏هاى بر حق پيامبر خدا مى‏شناسند و به امامت آنان معتقدند و در مسائل و احكام، به نظراتِ ائمه معصومين عمل مى‏كنند و در سلوك اجتماعى و مواضع سياسى، تابع آن پيشوايانند. پيامبر خدا (ص) بارها «شيعه على» را ستوده و آنان را رستگار دانسته است.

در وصيت‏نامه سياسى - الهى حضرت امام (ره) آمده است:

«ما مفتخريم كه ائمه معصومين از على بن ابى طالب (ع) گرفته تا منجى بشر حضرت مهدى صاحب الزمان (عليهم آلاف التّحيات و السّلام) كه به قدرت خداوند قادر، زنده و ناظر امور ماست، ائمه ما هستند... .»(2)

شيعه، از نظر فكرى، اخلاقى، عبادى، معاشرت، سركشى به بيچارگان، ادب و متانت در قول، خداترسى در نهان و آشكار، تقوا و اطاعت، ياد خدا، نماز اول وقت، پرهيز از غيبت، نماز شب و تهجّد، شاخصه‏هايى دارد كه در روايات آمده است. طىّ چند فصل كوتاه، بخش‏ها و نمونه‏هايى از اين خصوصيات اخلاقى را بر مى‏شماريم:

شيعه و پاك‏دامنى‏

امام صادق (ع) فرمود: «انّما شيعة على من عفّ بطنه و فرجه، و اشتدّ جهاده و عمل لخالقه و رجا ثوابه و خاف عقابه، فاذا رأيت اولئك، فاولئك شيعة جعفر؛(3) همانا شيعه على (ع) كسى است كه شكم خود را (از حرام) و غريزه جنسى خود را از گناه حفظ كند، پر تلاش باشد، براى خدايش كار كند، به پاداش الهى اميدوار و از كيفر او بيمناك باشد. اگر چنين كسانى را ديدى، آنان شيعه جعفر (امام صادق)اند.»

در اين حديث، حضرت صادق (ع) به افراد جامعه معيار و ملاك مى‏دهد تا شيعه را نه در ادعا و ظاهر و حرف، بلكه در عمل و تقوا و خداترسى و ايمان بشناسند.

در حديثى ديگر امام باقر (ع) مى‏فرمايد: «فو اللّه ما شيعتنا الّا من اتّقى اللّه و اطاعه...؛(4) به خدا سوگند، پيروان ما نيستند جز آنان كه تقوا و اطاعت الهى را داشته باشند.»

شيعه و رسيدگى به مردم‏

پيشوايان ما، به مردم عشق مى‏ورزيدند و نسبت به نيازمندان، اهل ايثار و مواسات و بخشش و لطف بودند. صدها نمونه در سيره آنان وجود دارد كه اين خصلت را نشان مى‏دهد. مدعيان پيروى از ائمه نيز در اين خصلت‏ها بايد به آن رهبران الهى اقتدا كنند.

در حديثى كه امام باقر (ع) تقوا و طاعت را شاخصه شيعه مى‏شمارد، به نمادها و نشانه‏هاى ريزترى از اين فضايل اشاره مى‏فرمايد: «اى جابر! شيعيان ما شناخته نمى‏شدند، جز با تواضع، خشوع، امانت‏دارى، زياد به ياد خدا بودن، روزه، نماز، نيكى به پدر و مادر، رسيدگى به همسايه‏هاى فقير و نيازمندان جامعه و بده‏كاران و يتيمان، راست‏گويى، تلاوت قرآن، پرهيز از بدگويى به مردم، امين و مورد اعتماد بودن در ميان قبيله خود در همه امور.»(5)

روزى يكى از دوست‏داران امام باقر (ع) به آن حضرت گفت: فدايت شوم، در منطقه ما تعداد شيعيان بسيار است. حضرت پرسيد: آيا ثروت‏مندان به فقيران رسيدگى مى‏كنند؟ آيا نيكوكاران از خطاكاران در مى‏گذرند و اهل عفو هستند؟ آيا درباره هم مواسات و گذشت و برادرى دارند؟

گفت: نه.

حضرت فرمود: پس آنان شيعه نيستند؛ شيعه كسى است كه چنين رفتار كند.(6)

شيعه و محبت اهل بيت‏

در روايات متعدد آمده است كه شيعيان كسانى‏اند كه دوست‏دار خاندان رسالت باشند و اين دوستى و همدلى، آنان را به همراهى بكشد و اهل عمل باشند و در راه ولايت خاندان پيامبر و زنده نگه داشتن نام و فرهنگ و ياد آنان، اهل بذل و بخشش باشند و به زيارت قبورشان بروند.

حضرت على (ع) فرموده است: «شيعتنا المتباذلون فى ولايتنا، المتحابّون فى مودّتنا، المتزاورون فى احياء امرنا...؛(7) شيعيان ما كسانى‏اند كه در راه ولايت و دوستى ما بذل و بخشش مى‏كنند، در راه مودّت ما با يك‏ديگر دوستى دارند، در راه احياى امر و فرهنگ ما به ديدار يك‏ديگر مى‏روند، آنانند كه وقتى خشمگين مى‏شوند، ظلم نمى‏كنند و اگر خرسند باشند به اسراف كشيده نمى‏شوند. براى همسايگان مايه بركت و براى معاشران و دوستانشان مايه سلامتى و ايمنى‏اند.»

تولّا و تبرّا و هم جبهه بودن با امامان و جدايى از خط دشمنان، از نشانه‏هاى شيعه است.

امام صادق (ع) فرمود: «كذب من زعم انّه من شيعتنا و هو متمسّك بعروة غيرنا؛(8) دروغ مى‏گويد كسى كه مى‏پندارد از شيعيان ماست، ولى به ريسمان و دستگيره غير ما چنگ مى‏زند.»

يا بيا پروانه اين نور شو

يا برو خفّاش باش و كور شو

در حديثى ديگر از حضرت رضا (ع) چنين آمده است: «شيعيان ما آنان‏اند كه تسليم فرمان و ولايت مايند، به گفته ما عمل كرده، با دشمنان ما مخالفت مى‏كنند. پس هر كس چنين نباشد، از ما نيست.»(9)

شيعه و تبعيت از عترت‏

از معيارهاى شيعه بودن، هم‏آهنگى زبان و عمل و گفتار و كردار در ادعاى دوستى و ولايت است. امامان ما در رواياتى متعدد، شيعه را كسى دانسته‏اند كه سندى از عمل بر شيعه بودن خود داشته باشد. از امام صادق (ع) چنين روايت شده است: «ليس منّا ما قال بلسانه و خالفنا فى اعمالنا و آثارنا...؛(10) شيعه ما كسى نيست كه به زبانش بگويد، ولى در اعمال و آثار ما با ما مخالفت كند. بلكه شيعه ما كسى است كه با زبانش و قلبش با ما موافق باشد و از آثار ما پيروى كند و كارهاى ما را انجام دهد. اينانند شيعيانِ ما. حتى در حالات قلبى هم، شيعه بايد در خط اهل بيت باشد و در غم آنان غمگين و در شادى آنان شاد باشد.»

حديث‏هاى متعددى با اين مضمون نقل شده كه شيعيانِ ما با شادى ما شاد مى‏شوند و با حزن و اندوه ما اندوهگين مى‏گردند: «يفرحون لفرحنا و يحزنون لحزننا...».(11)

شيعه و تعهد به نماز و تهجّد

از برنامه‏هاى عبادى شيعه، در اقتدا به سيره اولياى دين، اهل نماز شب و تهجّد و انس با پروردگار در دل شب و تلاوت قرآن و نماز اول وقت و... است.

امام صادق (ع) فرمود: «شيعيان ما را در سه هنگام و موقعيت امتحان كنيد: يكى، وقت نماز كه از آن چگونه مراقبت مى‏كنند؛ ديگرى، حفظ اسرار و رازهاى ما از دشمنانمان؛ سوم، مواسات و برادرى و ايثار در اموالشان با يك‏ديگر.»(12)

در حديثى امام كاظم (ع) فرموده است: «رسول خدا (ص) انگشتر را در دست راست خويش مى‏كرد. اين، علامت شيعيان ماست كه با اين نشانه و محافظت بر نماز اول وقت و پرداخت زكات و مواسات با برادران دينى و با امر به معروف و نهى از منكر شناخته مى‏شوند.»(13)

اهميت نماز شب براى شيعه تا حدّى است كه امام صادق (ع) فرموده است: «ليس من شيعتنا من لم يصلّ صلاة الليل؛(14) كسى كه نماز شب نمى‏خواند، از شيعيان ما نيست». اين، ميزان ارزش‏گذارى امامان براى تهجّد و راز و نياز شبانه و خلوت با خدا را براى پيروان خود مى‏رساند.

در روايت مشهورى ديگر پنج چيز از نشانه‏هاى شيعيان اهل بيت شمرده شده است: «نماز 51 ركعت در شبانه روز (واجبات و نوافل)، بسم الله را در نماز بلند گفتن، قنوت قبل از ركوع (يا زيارت اربعين در بعضى روايت‏ها)، سجده شكر، انگشتر را در دست راست كردن.»

امام صادق (ع) نيز فرموده است: شيعيان ما اهل ورع، اجتهاد، وفا، امانت، زهد، عبادت، 51 ركعت نماز در شب و روز، شب زنده‏دارى، روزه روزانه، پرداخت زكاتِ مال، حج خانه خدا و پرهيز از حرام است: «شيعتنا اهل الورع و الاجتهاد و اهل الوفاء و الامانة و اهل الزّهد و العبادة... .»(15)

شيعه و پاك‏دلى و پاك زبانى‏

در روايات اسلامى، دورى از كينه و فحش و بد زبانى از ويژگى‏هاى شيعه شمرده شده است.

شخصى به امام سجاد (ع) عرض كرد: من از شيعيان شمايم. حضرت فرمود: از خدا بترس، ادعاى دروغ مكن؛ شيعه ما آنانند كه دل‏هايشان از هر كينه و بدخواهى و دروغ و دغل، خالى باشد. بلكه بگو من از دوست‏داران شمايم، نه از شيعيان شما: «انّ شيعتنا من سلمت قلوبهم من كلّ غشّ و غِلّ و دغل...».(16)

حضرت صادق (ع) در توصيه‏اى به همه شيعيان خود فرمود: «اى جماعت شيعه! براى ما، مايه زينت و آراستگى باشيد، نه مايه ننگ و بدنامى. با مردم نيكو سخن بگوييد، زبان‏هاى خود را نگه داريد و از حرف‏هاى اضافى و غير لازم و زشت، بپرهيزيد.»(17)

دروغ، يكى از زشت‏ترين گناهان است كه هم فرد را بى‏اعتبار مى‏كند، هم از جامعه سلب اعتماد مى‏نمايد. از اين‏رو در زبان شيعه نبايد دروغ پيدا شود.

در يكى از توصيه‏هاى امام باقر (ع) چنين آمده است كه در گذشته، گاهى مردى در يك قبيله از شيعيان على (ع) بود و در صداقت و راست‏گويى، زينت آنان به شمار مى‏رفت. اگر از افراد آن قبيله درباره او مى‏پرسيدند، مى‏گفتند: چه كسى مثلا فلانى است؟ او از همه ما امانت‏دارتر و راست‏گوتر است.(18)

«حفظ زبان» در روايات متعددى از نشانه‏هاى شيعه اهل بيت به شمار آمده است و فرموده‏اند كه شيعه گاهى آن‏قدر سكوت طولانى و حفظ زبان دارد كه مثل افراد لال و كنگ به شمار مى‏آيد.

شيعه و مايه فخر بودن‏

رفتار يك شيعه بايد چنان باشد كه پيشوايان را خرسند سازد و به او مباهات و افتخار كنند و او را مايه زينت خويش بشمارند و چنان اخلاق و گفتارى داشته باشد كه دل‏ها و محبت‏هاى مردم را به اهل بيت پيامبر جذب نمايد. امام صادق (ع) به يكى از شيعيان توصيه فرمود كه سلام آن حضرت را به شيعيان ديگر برساند و اين پيام را برساند كه امام فرمود: «خدا رحمت كند بنده‏اى را كه محبت مردم را به طرف خود و ما جذب كند... .»(19)

در سخنى مفصّل، امام حسن عسكرى (ع) به شيعيان خود چنين توصيه مى‏فرمايد: «شما را به تقواى الهى وصيت مى‏كنم. با ديگران (يعنى اهل سنّت) باشيد، در قبيله آنان و با آنان نماز بخوانيد، در تشييع جنازه آنان شركت كنيد، به عيادت بيمارانشان برويد، حقوق آنان را ادا كنيد. وقتى يكى از شما چنين رفتارى داشته باشد و اهل پرهيزكارى و راست‏گويى و امانت‏دارى و حسن خلق و مدارا با مردم باشد، مى‏گويند: «او شيعه است» و اين مرا خوش‏حال مى‏كند. تقوا داشته باشيد و مايه زينت و آبروى ما باشيد، هر محبتى را به سوى ما جلب كنيد و هر زشتى را از ما دور سازيد... .»(20)

گاهى امامان، از كسانى كه با رفتارشان مردم را به مكتب اهل بيت بدبين مى‏كردند، اظهار برائت و بيزارى مى‏نمودند و آنان را به «تعهد عملى» به دين خدا فرا مى‏خواندند.

در حديثى، امام باقر (ع) به جابر جعفى فرمود: «اى جابر! آيا براى كسى كه خود را شيعه معرفى مى‏كند، همين كافى است كه ادعاى دوستى با ما اهل بيت داشته باشد؟ به خدا قسم، شيعه ما كسى است كه اهل تقوا و طاعت باشد. بين خدا و كسى قرابت و قوم و خويشى وجود ندارد. محبوب‏ترين بندگان نزد خداوند كسى است كه با تقواتر و مطيع‏تر باشد.

«اى جابر! به خدا قسم، جز با تقوا و طاعت نمى‏توان به خدا نزديك شد. ما هم براى كسى حواله برائت از آتش نداريم. هر كه مطيع خدا باشد دوست ماست و هر كه خدا را معصيت كند دشمن ماست. به ولايت ما جز در سايه عمل و پرهيزكارى نمى‏توان رسيد.»(21)

شيعه و ساده‏زيستى‏

امامان شيعه، از تجمل‏گرايى و دنياطلبى دور بودند و با زهد و ساده‏زيستى و قناعت زندگى مى‏كردند. شيعيان آنان نيز بايد در سطح معيشت و نوع زندگى به آنان اقتدا كنند.

امام باقر (ع) در سخنى شيعيان را داراى ويژگى «ساده زيستى» مى‏داند: «الخفيفة عيشهم». امام صادق (ع) نيز در كلامى در پاسخ به سؤال ابو بصير كه پرسيده بود شيعيان خود را برايم توصيف كن، نشانه‏هايى را بر شمرد؛ از جمله اين‏كه: «شيعتنا الخفيفة عيشهم؛(22) شيعيان ما زندگى سبك و ساده و دور از تكلّف و تجمل دارند.»

مناعت طبع و قناعت و ساختن به اندك، از نشانه‏هاى ساده‏زيستى شيعه است. حضرت صادق (ع) فرمود: «شيعتنا من لا يسئل النّاس شيئناً و لو ما جوعاً؛(23) شيعيان ما هرگز دست نياز و درخواست پيش مردم دراز نمى‏كنند، هر چند از گرسنگى بميرند.»

شيعه و انتظار

زمينه سازى براى عصر ظهور، اميد داشتن به آينده روشن و تحقق وعده‏هاى الهى، تلاش براى پاك زيستن در دوران غيبت و «انتظار فرج»، از نشانه‏ها و اوصاف شيعه است. روايات در اين مورد بسيار است.

در حديث مفصّلى از امام كاظم (ع) كه ويژگى‏هاى حضرت ولى عصر (عج) بيان شده واين‏كه در دوران غيبت او، گروهى از اعتقاد به وى بر مى‏گردند و گروهى در اين عقيده ثابت‏اند، مى‏فرمايد: «طوبى لشيعتنا، المتمسّكين بحبّنا فى غيبة قائمنا، الثابتين على موالاتنا و البرائة من اعدائنا...؛(24) خوشا به حال شيعيان ما، آنان كه در دوران غيبت قائم ما به محبت ما تمسّك مى‏جويند و بر موالات ما و برائت از دشمنانمان استوار مى‏مانند. آنان از مايند و ما از آنانيم. آنان ما را به عنوان ائمه پذيرفته‏اند، ما هم ايشان را به عنوان شيعه قبول داريم. خوشا به حال آنان. به خدا قسم آنان در روز قيامت و در رتبه و درجه ما با مايند.»

اين حديث را نيز حضرت عبدالعظيم حسنى از امام جواد (ع) نقل كرده كه آن حضرت پس از بيان لزوم انتظار و اطاعت از خط ائمه در عصر غيبت، فرمود: «افضل اعمال شيعتنا انتظار الفرج؛(25) برترين اعمال شيعيان ما انتظار فرج است.»

در روايات، براى اوصاف و ويژگى‏هاى شيعه، نمونه‏هاى ديگرى هم نقل شده است كه به همين مقدار بسنده مى‏كنيم.

اميد است «خط اهل بيت» و «سيماى تشيّع»، در گفتار و رفتار و خلق و خوى فردى و اجتماعى پيروان عترت پيامبر تجلّى يابد و شيعه را در عمل بيابيم و نشان دهيم، نه در گفتار و ادعا و شعار.

محور هاى پژوهش:

لطفاً فقط يكى از محورهاى زير را انتخاب كرده و درباره آن مقاله بنويسيد.

1 . اصول و بينان‏هاى تفكر و اعتقاد شيعه چيست؟

2 . شيعه يعنى چه و از چه زمانى و توسط چه كسى مطرح شده است؟

3 . درباره اين شعر و ارتباط آن با تشيّع، توضيح دهيد:

جنگ هفتاد و دو ملت همه را عذر بنه‏

چون نديدند حقيقت، ره افسانه زدند

4 . تشيّع از چه زمان و چگونه وارد ايران شد؟

5 . نقش تشيّع در پديد آوردن نهضت‏هاى ضد ستم چيست؟

6 . چرا تشيّع را اسلام نام محمدى مى‏دانيم؟

7 . شيعه و مودّت ذى القربى و محبت اهل بيت.

8 . نقش آل بويه در توسعه و رشد تشيّع در جهان اسلام.

9 . شناخت چهره‏هاى علمى شيعه در طول تاريخ.

10 . نقش تشيّع در پيروزى حزب الله و مقاومت اسلامى.

منابع پژوهش:

1 . شهيد آية الله مطهرى، امامت و رهبرى.

2 . على‏اصغر رضوانى، شيعه‏شناسى و پاسخ به شبهات.

3 . علامه طباطبايى، شيعه در اسلام.

4 . مؤسسه شيعه‏شناسى، مجله «شيعه‏شناسى».

5 . علامه كاشف الغطاء، اين است آيين ما، ترجمه آية الله ناصر مكارم شيرازى.

6 . ضياءالدين استرآبادى، اسلام و تشيّع.

7 . سليم بن قيس، اسرار آل محمد.

8 . محمدرضا مظفّر، تعاليم و عقايد شيعه، ترجمه مجتهدى‏شبسترى.

9 . فيض كاشانى، چگونه شيعه باشيم؟

10 . محمدرضا حكيمى، حماسه غدير؛ يادنامه علامه امينى.

11 . على ربانى‏گلپايگانى، درآمدى بر شيعه‏شناسى.

12 . روح‏الله حسينيان، رهبرى در تشيّع.

13 . سراج انصارى، شيعه چه مى‏گويد؟

14 . محمدحسين زين‏عاملى، شيعه در تاريخ، ترجمه محمدرضا عطايى.

15 . محمدجواد مغنيه، شيعه كيست و تشيّع چيست؟

16 . محمدجواد نشرى، شيعه و تهمت‏هاى ناروا، ترجمه محمدرضا عطايى.

17 . شيخ صدوق، صفات الشيعه.

18 . شمس‏الدين نجفى، گفتار شيعه در اصول و فروع.

20 . آيةالله جعفر سبحانى، منشور عقايد اماميه؛ سيماى عقايد شيعه.

21 . جواد محدّثى، فرهنگ غدير.

22 . حسين غفارى، فرهنگ و اوصاف شيعه.

\* \* \*

آخرين مهلت ارسال پژوهش (31/3/1388) مى‏باشد.

به ده مقاله از مجموع مقالات ارسالى مشتركان درباره دو موضوع ارائه شده (1 و 2) كه بيشترين امتياز را كسب نمايند جوايز نفيسى به قيد قرعه اهدا خواهد شد. در ضمن به تعدادى از بقيه مقالات پژوهش‏گران كه معيارهاى مقاله‏نويسى در آن‏ها بيشتر رعايت شده باشد جوايزى اهدا خواهد گرديد.

لطفاً قبل از تدوين مقاله، نكته‏هاى زير را به دقت مطالعه فرماييد:

1 . براى علاقه‏مندان به تحقيق و مقاله‏نويسى، دو موضوع پژوهش در نظر گرفته شده است كه مى‏توانيد با توجه به استعداد، فرصت و توان علمى خويش، يكى از آن‏ها را به اختيار انتخاب كرده و مقاله بنويسيد.

2 . تهيه و ارسال منابع معرفى شده، در توان ما نيست. شما مى‏توانيد با مراجعه به كتاب‏خانه‏ها، دوستان و...، منابع مزبور و يا كتاب‏هاى مناسب ديگر را تهيه كنيد.

3 . لطفاً مقاله‏هاى خود را با خط خوانا و حتماً بر روى يك طرف كاغذ بنويسيد.

4 . براى سهولت در ارزيابى مقاله، پاورقى‏هاى هر صفحه را در پايين همان صفحه يادداشت نماييد.

5 . در صورتى كه نوشته ارسالى صرفاً رونويسى از منابع باشد، امتيازى نخواهد داشت.

6 . مقاله‏هايى كه خارج از موضوعات پيشنهادى مجله باشد، در مسابقه شركت داده نمى‏شود.

7 . مطالب اقتباس شده از ديگران را حتماً با مشخصات كامل بياوريد، در غير اين صورت از امتياز مقاله كاسته خواهد شد.

مراحل و نحوه تدوين پژوهش:

1 . ابتدا منابع معرفى شده يا منابع ديگر را مطالعه كرده و مطالب مورد نياز را در برگه‏هاى جداگانه‏اى يادداشت كنيد (فيش بردارى).

2 . آن‏گاه يادداشت‏ها را با توجه به اصول نگارش مقاله، رده‏بندى و تنظيم نماييد.

3 . سپس مطالب آماده شده را تكميل كنيد. تجزيه و تحليل، استدلال، نقد و پرورش مطالب در اين قسمت انجام مى‏شود.

4 . پس از تكميل مطالب، آن‏ها را به صورت يك نوشته منسجم درآوريد. دقت كنيد هر بحثى بايد در جاى‏گاه مخصوص خود قرار گيرد.

5 . نوشته تنظيم شده را چندين بار مطالعه و بازنگرى كرده و خطاهاى نگارشى احتمالى را برطرف و سپس آن را پاك‏نويس كنيد.

پي نوشت ها:

1) از جمله در دانشگاه تل آويو اسرائيل در سال 1363 سمينارى برگزار شد و شخصيت‏هاى مهمى در آن سخنرانى كردند. موضوع آن سمينار، «بررسى تشيّع» بود. مجموعه بحث‏ها و مقالات آن سمينار با نام «تشيّع، مقاومت و انقلاب» در سال 1368 منتشر شد. ر.ك: جواد محدّثى، فرهنگ غدير، مدخل شيعه‏شناسى.

2) وصيت‏نامه امام خمينى (ره)، مقدمه.

3) اصول كافى، ج 2، ص 233.

4) همان، ص 74.

5) و ما كانوا يعرفون الاّ بالتواضع و التّخشّع و الامانة...» :كافى، ج 2، ص 74.

6) كافى، ج 2، ص 172.

7) همان، ص 236.

8) بحار الانوار، ج 2، ص 98.

9) وسائل الشيعه، ج 18، ص 83.

10) همان، ج 11، ص 96.

11) سبزوارى، جامع الاخبار، ص 508.

12) بحار الانوار، ج 83، ص 22.

13) وسائل الشيعه، ج 3، ص 397.

14) بحار الانوار، ج 87، ص 162.

15) وسائل الشيعه، ج 3، ص 41.

16) بحار الانوار، ج 68، ص 156.

17) وسائل الشيعه، ج 8، ص 535.

18) بحار الانوار، ج 34، ص 306.

19) همان، ج 2، ص 77.

20) همان، ج 75، ص 372.

21) همان، ج 67، ص 98.

22) همان، ج 66، ص 401.

23) همان، ج 51، ص 151.

24) همان.

25) همان، ص 156.